

واژه‌گزینی فرهنگستان زبان و ادب فارسی در حوزه موسیقی^۱

سجاد صادق‌وند^۲

دانشجوی دکترای زبان و ادب فارسی، دانشگاه شهید بهشتی

قدرت‌الله طاهری^۳

دانشگاه شهید بهشتی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۹/۲۹

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۴/۱۶

چکیده

وظیفه خطیر تعیین معادل و تصمیم‌گیری برای واژه‌های خارجی برعهده فرهنگستان زبان و ادب فارسی است. باین‌حال، تحقیقات گسترده و متنوعی در باب عملکرد فرهنگستان در حوزه‌های تخصصی صورت پذیرفته است، در این اثر ۵۲۴ واژه که عملکرد یک دوره دوازده ساله فرهنگستان در حوزه موسیقی بوده، انتخاب شده است تا، با تشخیص روش‌های استفاده‌شده فرهنگستان، درباره چرایی استفاده از این روش‌ها و روش‌های کلی واژه‌گزینی در این حوزه بحث شود. فرهنگستان مجموعاً از ده روش برای واژه‌گزینی استفاده کرده است که به‌ترتیب، تعداد استفاده از هر روش به این شرح است: (۱) گرت‌برداری، (۲) انتخاب معادل از زبان فارسی، (۳) ترکیب، (۴) جمع واژه‌های مترادف، (۵) دورگه‌سازی، (۶) اشتقاق، (۷) قرض‌گیری مستقیم، (۸) بسط معنایی، (۹) استفاده از واژگان کهن، (۱۰) ادغام. نتایج تحقیق حاکی از آن است که با بررسی این ده روش می‌توان سه روش کلی را مشخص کرد: ۱- قرض‌گیری، ۲- انتخاب معادل از زبان فارسی و ۳- واژه‌سازی جدید. با توجه به یافته‌ها، به‌طور کلی می‌شود ادعا کرد که: بسیاری از واژه‌های بنیادین موسیقی نوین، قرض گرفته‌شده‌اند و سپس (با دورگه‌سازی) ترکیب‌ها و مشتقات متعددی از این واژه‌های قرض گرفته‌شده ساخته شده‌اند. همچنین تعداد معنابهی از واژه‌ها و ترکیبات، با استفاده از گرت‌برداری، معادل‌گزینی شده‌اند و برای قسمتی (کم‌شمار) از واژه‌ها نیز یا در موسیقی سنتی ایران معادل وجود داشته، یا معادل جدیدی ساخته شده است

۱. با حرمت به خاطره زنده یاد استاد کامران احمدگلی

2. s.sadeqvand@gmail.com

3. gh_taheri@sbu.ac.ir

کلیدواژه‌ها: واژه‌سازی، واژه‌گزینی، فرهنگستان زبان و ادب فارسی، موسیقی، زبان فارسی.

۱- مقدمه

با گسترش و تسهیل ارتباط جوامع در حوزه‌های مختلف علمی، فرهنگی، هنری، سیاسی، صنعتی، گردشگری و...، به‌ویژه با پیشرفت‌های فناوری‌ها در یک قرن اخیر، ورود واژه‌های زبان‌های بیگانه - که معادلی ندارند - به زبان فارسی سرعت چشمگیری به خود گرفته و اهمیت یافتن و ساختن واژه‌های فارسی «به‌عنوان اجزای سازنده معنادار زبان» (کارستز^۱، ۲۰۰۲: ۴) و تصمیم‌گرفتن درباره هر واژه بیگانه‌ای که سعی در نفوذ به داخل زبان فارسی دارد - یا از پیش نفوذ کرده - دوصدچندان گشته است. با مستمر شدن فعالیت‌های فرهنگستان و انتشار تعداد متنابهی از واژه‌ها در کتبی که غالباً با نام واژه‌های مصوب منتشر می‌شود، مقالات و تحقیقات پرشماری نیز با هدف بررسی، نقد، گزارش و ارائه پیشنهادهایی در مورد این فعالیت‌ها ارائه می‌شود.

امروزه نیاز به ارائه مقالاتی با رویکرد تحلیل روش‌شناختی نوع واژه‌گزینی و راه‌های مورد استفاده قرار گرفته توسط فرهنگستان بیش از پیش احساس می‌شود. گسترش چنین تحقیقاتی می‌تواند به تدریج به ارائه الگوهای واژه‌سازی و اولویت‌های واژه‌گزینی رشته‌های تخصصی بپردازد و ویژگی‌های خاص هر رشته را در ترجیح یک شیوه واژه‌گزینی بر دیگری در یک رشته نسبت به سایر رشته‌ها باز نماید. بررسی روش‌شناختی واژه‌گزینی فرهنگستان زبان و ادب فارسی در حوزه موسیقی، هدف اصلی این مقاله است. برای این کار، نخست تعدادی درخور از واژه‌های مصوب فرهنگستان (مربوط به حوزه هنر) گردآوری می‌شود. سپس در قالب جداول و نمودارهایی سعی در باز نمودن روش‌های مورد استفاده فرهنگستان به شکلی گویا خواهد شد؛ و پس از آن به تحلیل و توصیف و قیاس نتایج پرداخته خواهد شد.

در این پژوهش، سعی بر آن است تا: «روش‌های مورد استفاده فرهنگستان در معادل‌گزینی برای واژه‌های حوزه موسیقی» بررسی شود و نیز بر «دلایل استفاده بیشتر از برخی روش‌ها با توجه به آمار» پرتوی فکنده شود. با استفاده از تحلیل اطلاعات آماری می‌توان مدلی از واژه‌گزینی را که ویژه حوزه موسیقی است باز شناخت، به عبارت دیگر، روش‌های واژه‌گزینی را با توجه به میزان کاربردشان در این حوزه بر شمرد و به تفسیر دلایل پرداخت. به نظر می‌رسد تلاش

برای دستیابی نسبی به الگوهای واژه‌سازی رشته‌های گوناگون، در درازمدت، رویکرد زبان فارسی را در برابر ورود فزاینده واژه‌های بیگانه فعال‌تر و سازمان‌یافته‌تر می‌سازد. برخی از واژه‌های بیگانه، به دلیل اینکه بسامد استفاده بسیاری دارند، پس از ورود به زبان به سرعت به واژه‌های معمول در زبان مقصد تبدیل می‌شوند؛ بنابراین، گروه‌های تخصصی فرهنگستان باید با علم به اینکه در گذشته با چه الگوها و روش‌هایی و به چه دلایلی در آن رشته واژه‌گزینی شده است، واژه‌هایی را که در حال ورود به زبان فارسی هستند رصد کنند و واژه‌های متناسب و گویا را قبل از همه‌گیر شدن واژه بیگانه، بسازند یا از واژه‌های موجود در زبان فارسی، استفاده‌ای تازه کنند.

تقسیم‌بندی‌های متعددی درباره فرآیندهای واژه‌سازی توسط صاحب‌نظران متعددی ارائه شده است که دارای وجوه تشابه و افتراق زیادی هستند. در این مقاله سعی شده است تا اساسی ابتدایی کار، تقسیم‌بندی معروف جورج یول^۱ (۲۰۱۰) در مورد روش‌های واژه‌سازی باشد و با توجه به اینکه واژه‌گزینی ظرایف و دقائق خاص خود را دارد و نیز با توجه به ویژگی‌هایی که واژه‌گزینی در حوزه‌های خاص دارد، چند روش دیگر نیز به روش‌های کلی یول افزوده شود. لازم به یادآوری است که بحث درباره بررسی واژه‌گزینی فرهنگستان زبان و ادب فارسی به یک حوزه خاص -حوزه موسیقی- و به یک بازه زمانی خاص (۱۲ساله و در حدود ۵۲۴ معادل) محدود شد تا نتایجی دقیق‌تر و مفیدتر به دست آید.

۲- مبانی نظری و پیشینه پژوهش

یول (۲۰۱۰) فرآیندهای کلی واژه‌سازی را تحت عناوین زیر معرفی می‌کند:

(۱) ابداع^۲، (۲) قرض‌گیری^۳، (۳) گرت‌برداری^۴، (۴) ترکیب^۵، (۵) ادغام (آمیزش)^۶، (۶) کوتاه‌سازی (اختصار)^۷، (۷) کوتاه‌سازی پس‌رو^۸، (۸) تغییر مقوله^۹، (۹) سرواژه‌سازی^{۱۰}، (۱۰) اشتقاق^{۱۱}، (۱۱) فرآیندهای چندگانه^{۱۲}، (۱۲) قیاس^{۱۳}، (۱۳) نام‌آوا^{۱۴}.

1. G. Yule
2. coinage
3. borrowing
4. calque
5. compounding
6. blending
7. clipping

8. backformation
9. conversion
10. acronyms
11. derivation
12. multiple processes
13. analogy
14. onomatopoeia

علاوه بر روش‌هایی که یول برشمرده است، به چند روش دیگر نیز می‌توان اشاره داشت که با توجه به مسائل پیرامون واژه‌گزینی و فرهنگستان و نیز مسائل خاص هر حوزه تخصصی در آثار پژوهشگران ذکر شده است و در این پژوهش در کنار فرآیندهای یول مبنای کار خواهند بود.

الف- دورگه‌سازی^۱: نوع خاصی از واژه‌سازی است که در آن ریشهٔ واژه از زبان دیگر قرض گرفته شده و واژه‌سازی می‌شود یا با ریشهٔ موجود، با استفاده از الگوهای یک زبان خارجی، واژه‌سازی می‌شود. نمونه‌های متعدد و متنوعی از این نوع واژه‌سازی در زبان فارسی، عموماً در ارتباط با زبان عربی و با مقاصد متنوع از اهداف علمی و ادبی تا طنز و زبان عامیانه رخ داده است؛ اما در حوزه‌های مختلف این روش در مورد زبان انگلیسی نیز با بسامدهای مختلف استفاده شده است. مثل داوطلب، بدعاقبت، خوش‌اخلاق، فیلم‌ساز، دکورساز و... (سمیعی، ۱۳۸۰)؛ **ب- با استفاده از واژگان گویش‌ها:** مانند واژهٔ پافشار به‌جای پدال، این واژه در گویش قاینی بر ابزاری در دستگاه پارچه‌بافی اطلاق می‌شود که نقش پدال در اتومبیل را ایفا می‌کند (زمردیان، ۱۳۸۴)؛ - **استفاده از زبان‌های باستانی برای مفاهیم کاملاً نو** (مثلاً استفاده از مصدرهای رایانیدن و ویراستن از فارسی میانه برای معادل‌گزینی برای واژه‌های ادیتور و کامپیوتر) (زمردیان، ۱۳۸۴)؛ - **بسط معنایی:** در برخورد با ورود یک مفهوم جدید اگر از واژه‌هایی استفاده کنیم که در نظام زبانی زبان وام‌گیرنده موجود هستند و در مفهوم دیگر استفاده می‌شوند؛ و ما آن‌ها را در مفهومی جدید به‌کاربریم، بسط معنایی رخ می‌دهد؛ مانند فرمان و رکاب برای مفاهیم *pedal* و *steering wheel* (حق‌شناس، ۱۳۸۰).

لازم به ذکر است که تلاش نویسندگان مقاله بر آن خواهد بود تا به راهکارهای دیگری که فرهنگستان در راستای تعیین برای معادل واژه‌های بیگانه به کار بسته است نیز توجه شود. در مورد واژه‌سازی و واژه‌گزینی فرهنگستان تاکنون تحقیقاتی صورت گرفته و مقالاتی ارائه شده‌اند. اگر بخواهیم به موضوعات و مفاد مهم این آثار اشاره کنیم موارد زیر را می‌توانیم نام ببریم:

انواع واژه‌گزینی

مقاله‌ای تحت عنوان «واژه‌گزینی در زبان اول، واژه‌گزینی در زبان دوم» توسط دکتر شهین نعمت‌زاده نوشته شده است. در این اثر که عنوان و نوع تقسیم‌بندی انواع واژه‌گزینی در آن

ملهم از خوان سگر^۱، اصطلاح‌شناس آرژانتینی‌الاصل است، واژه‌گزینی از دیدگاه کلی به دو نوع واژه‌گزینی در زبان اول و واژه‌گزینی در زبان دوم تقسیم می‌شود و بحث اصلی پیرامون ویژگی‌ها، شباهت‌ها و البته تفاوت‌های این واژه‌گزینی‌هاست.

واژه‌گزینی در زبان اول عبارت است از خلق یا انتخاب واژه برای پدیده یا موجودی که سخنگوی زبان برای اولین بار با آن روبه‌رو می‌شود. هرچند سگر (۱۹۹۰: ۳۵۲) معتقد است که «واژه‌گزینی در زبان اول نتیجه ظهور مفاهیم جدید در رشته‌های مختلف علمی است»، در واژه‌گزینی زبان اول یا واژه‌گزینی اولیه سخنگو هیچ‌گونه اطلاعی از نام پدیده یا موجود جدید در زبان‌های دیگر ندارد اما در واژه‌گزینی زبان دوم یا واژه‌گزینی ثانویه همواره سابقه زبانی وجود دارد. به‌زبان دیگر، این واژه‌گزینی، مفهوم‌بنیاد و مصداق‌بنیاد است؛ یعنی سخنگوی زبان با پدیده‌ای مواجه می‌شود که نیاز به نام‌گذاری دارد (نعمت‌زاده، ۱۳۸۴: ۲۳۸-۲۳۷).

انواع استدلال در واژه‌گزینی

شهین نعمت‌زاده در مقاله‌ای تحت عنوان «استدلال در واژه‌گزینی» به شرح و تقسیم‌بندی چنین استدلال‌هایی دست زده است. به‌گفته وی، آگاهی از دلایل پیشنهاد و تصویب یا رد واژه‌ها اهمیت دارد. وی بیان داشته است که شواهد مقاله همگی برگرفته از مباحث مطروحه در شورای واژه‌گزینی زبان و ادبیات فارسی است؛ و به معرفی و شرح پنج استدلال می‌پردازد که عبارت‌اند از: استدلال سابقه: آن‌گونه که از اسمش پیداست، اولویت انتخاب یک معادل در صورتی است که بین چند معادل با شرایط یکسان. یک معادل سابقه استفاده بیشتری داشته باشد؛ استدلال هم‌آوایی: در این نوع استدلال، نزدیکی آوایی معادل به واژه اصلی، با توجه به اینکه آسان‌تر پذیرفته و به ذهن سپرده می‌شود، مورد توجه قرار می‌گیرد. استدلال هماهنگی: این نوع استدلال در ارتباط با معادل‌گزینی برای واژه‌هایی با حوزه معنایی یکسان به‌کار می‌رود. در این موارد سعی می‌شود که این معادل‌ها از نظر ساختاری و ظاهری هم همخوانی داشته باشند؛ استدلال نگرش: در این استدلال براساس مفهوم، بین نگرش‌های نقش‌مدار یا محتوامدار یکی را برمی‌گزینند و بر آن اساس واژه‌گزینی می‌کنند؛ استدلال گرایش: در این نوع استدلال به ذائقه و ترجیحات مخاطبان در مورد معادل‌های انتخاب شده اهمیت پیدا می‌کند. (نعمت‌زاده، ۱۳۸۰).

واژه‌سازی

در مورد واژه‌سازی که ابزار اصلی فرهنگستان در واژه‌گزینی است، مقالات گوناگونی از منظرهای مختلفی نگاشته شده است. در این مجال سعی بر آن است تا فارغ از تقسیم‌بندی این آثار، بر چند مقاله با موضوع کلی واژه‌شناسی نگاهی انداخته شود. مقالات مورد بررسی دارای عناوین زیر هستند: فرآیندهای واژه‌سازی، ترکیب و اشتقاق، قیاس و واژه‌سازی و واژه‌سازی درون‌متن.

فرآیندهای واژه‌سازی

مقاله‌ای با عنوان «فرآیندهای واژه‌سازی در فارسی» توسط رضا زمردیان (۱۳۸۴) نگاشته شده است. وی در این اثر با بررسی معادل‌های انتخاب شده به بررسی و نقد آن واژه‌ها و در برخی موارد به مقبولیت و عدم مقبولیت آنها توسط مخاطبان می‌پردازد؛ و در بخش پایانی مقاله چهار روش را به‌عنوان روش‌های مطلوب واژه‌سازی در زبان فارسی معرفی می‌کند: (۱) روش اشتقاق و ترکیب همراه استفاده از عناصر پربسامد در زبان فارسی؛ (۲) واژه‌هایی که به‌وسیله مردم ساخته شده و می‌شود؛ (۳) با استفاده از واژگان گویش‌ها؛ (۴) با استفاده از زبان‌های باستانی برای مفاهیم کاملاً نو.

ترکیب و اشتقاق

مبنای کار این بخش مقاله «ترکیب و اشتقاق دو ابزار واژه‌سازی» از احمد سمیعی (گیلانی) (۱۳۸۰: ۲۱۴) است؛ او در ابتدای کار راه‌های مختلفی را برای واژه‌سازی برمی‌شمارد که عبارت‌اند از:

ترکیب اعم از صرفی و گروهی، اشتقاق با وندها و وندواره‌ها، دورگه‌سازی که خود نوعی از ترکیب و اشتقاق است، وام‌گیری از زبان‌های بیگانه با تصرف زبانی، وام‌گیری از زبان‌های مرده هم‌خانواده، وام‌گیری از گویش‌ها، برساختن واژه بی‌توجه به اصالت و ریشه و تبار عناصر.

قیاس و واژه‌سازی

طرح‌ها و الگوهای موجود در یک زبان گاه توسط اهل آن زبان استفاده می‌شوند (مورد قیاس قرار می‌گیرند) تا واژه‌ای کاملاً نو تولید شود. این واژه‌های نو گاه با مقبولیت زیاد پذیرفته می‌شوند و گاه اقبال عمومی را دریافت نمی‌کنند و به دایره واژگانی آن زبان افزوده نمی‌شوند. واژه‌سازی‌های نوآورانه و جذاب کودکان را می‌توان از مقوله قیاس دانست. (مثلاً وقتی کودکی به جای «نیست» می‌گوید «نه هست»). قیاس از عوامل ایجاد تغییر در زبان‌هاست و اگر آن را

به‌عنوان ابزاری برای نوآوری و تولید قرار دهیم، می‌تواند به ساخت واژگان جدید بینجامد (شقایق، ۱۳۸۰).

واژه‌سازی درون‌متن

حق‌شناس (۱۳۸۰) نخست چهار سازوکار را برای واژه‌سازی و واژه‌گزینی مطرح می‌کند که عبارت‌اند از: وام‌گیری، بسط معنایی، ترکیب نحوی، واژه‌سازی (به‌کمک دستگاه صرف اشتقاقی). او سپس با ارائه توضیحاتی درباره هر یک از موارد تنها دو مورد ترکیب نحوی و صرف اشتقاقی را زایا و فزاینده می‌داند. از میان این دو هم واژه‌سازی به‌کمک صرف اشتقاقی را پاسخگوی نیازهای فزاینده زبان فارسی به واژه‌های تازه می‌داند و آن را به دو نوع تقسیم می‌کند: واژه‌سازی بیرون‌متن و واژه‌سازی درون‌متن و در مورد هر کدام توضیحاتی می‌دهد. او (همان: ۴۹۶) واژه‌سازی درون‌متن را علاج قطعی برای کمبودهای واژگانی در زبان فارسی می‌داند.

عملکرد فرهنگستان

در این بخش مقاله‌ای تحت عنوان «شاخص‌های معناساختی واژه‌های فرهنگستان زبان و ادب فارسی» نوشته نسرین پرویزی (۱۳۸۴) مورد بررسی قرار می‌گیرد. مقاله فوق را می‌توان به دو بخش کلی تقسیم کرد: بخش نخست حاوی نکاتی در مورد علم اصطلاح‌شناسی است و بخش دوم نگاهی به عملکرد فرهنگستان زبان و ادب فارسی تا سال ۱۳۸۱ دارد. در این بخش با توجه به تقسیم‌بندی‌های تحلیل‌شده در بخش اصطلاح‌شناسی، نویسنده به ارائه آماری در مورد رویکرد فرهنگستان می‌پردازد.

آمار بر اساس ویژگی

پرویزی (۱۳۸۴: ۲۹۸) نتایج حاصل از بررسی ۱۵۶۹ مورد از واژه‌های مصوب فرهنگستان تا سال ۱۳۸۱ را در جدولی از بیش‌ترین به کمترین ارائه کرده است که خلاصه‌ای از آن از نظر می‌گذرد: ۴۲۱ بار به کارکرد یا عملکرد توجه شده است؛ ۳۰۲ بار به جایگاه و محل و وضعیت و نوع توجه شده است؛ ۲۷۱ بار به کارکرد و نقش فاعلی توجه شده است؛ ۲۳۱ بار به شکل یا جنس یا اندازه یا رنگ و ویژگی درونی توجه شده است؛ ۱۲۳ بار به نتیجه و حاصل عمل توجه شده است؛ ۱۰۷ بار به روش تولید یا شیوه کار و عمل توجه شده است؛ ۹۰ بار شباهت به

مصادق خارجی دیگر مورد توجه قرار گرفته است؛ ۲۳ بار به قابلیت و ۱ بار به عامل توجه شده است.

۳- روش پژوهش

واژه‌های مورد بررسی

اطلاعات اولیه مورد نیاز برای این تحقیق، واژه‌هایی هستند که فرهنگستان زبان و ادب فارسی به‌عنوان معادل برای واژگان خارجی طی سال‌های ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۸ در کتاب‌هایی با نام فرهنگ واژه‌های مصوب منتشر کرده است (هریک از کتاب‌ها شامل مجموعه‌ای از معادل‌های مختلف در حوزه‌ها و رشته‌های متنوع است). از مجموع کتاب‌های منتشرشده در بازه زمانی دوازده ساله (۱۳۷۶ تا ۱۳۸۸) تعداد ۵۲۴ واژه مصوب فرهنگستان - که تقریباً تمامی معادل‌های حوزه موسیقی در این بازه زمانی است - استخراج شد.

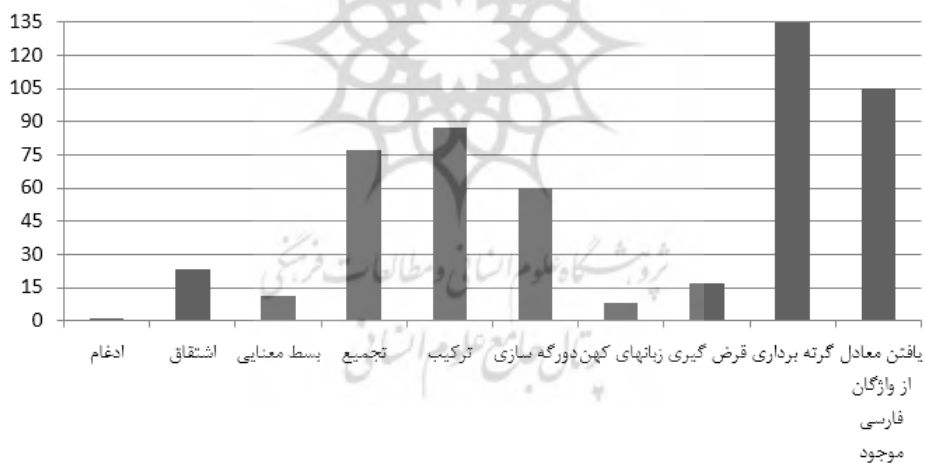
ابتدا تمامی واژه‌ها و معادل‌هایشان یک‌به‌یک بررسی شد تا روش مورد استفاده شناسایی شود. سپس سعی بر آن شد تا جدولی جامع و فراگیر ارائه شود که شامل واژه خارجی، معادل مصوب، روش تشخیص داده شده و منبع معادل باشد. از این جدول فراگیر آمار و درصدها استخراج و در جدول‌های دیگر منعکس شد و برپایه این آمار نمودارها ارائه شد. همچنین تلاش شد تا آمار و اطلاعاتی نیز از راهکارهای خاص فرهنگستان در برخی موارد خاص که خارج از چارچوب روش‌های کلی است، درج شود. پس از آن، آمار و درصدها و آمارهای تفکیکی هر روش، بحث شد. عمده مباحث عبارت‌اند از مدل کلی و اولویت‌های واژه‌گزینی فرهنگستان زبان و ادب فارسی در حوزه موسیقی و دلیل استفاده بیشتر از یک یا چند روش نسبت به روش‌های دیگر؛ همچنین تلاشی هم شد در جهت توضیح آمار مربوط به برخی راهکارهای خاص فرهنگستان. در پی بحث، نتیجه‌گیری و سپس پیشنهادهایی برای مطالعات آینده ارائه شد.

۴- بحث و تحلیل

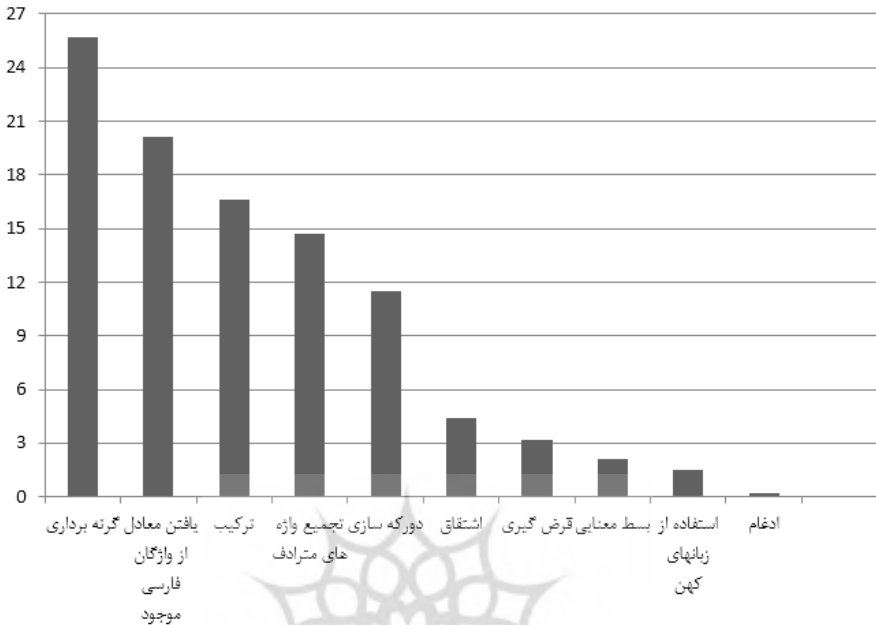
در این بخش با توجه به جدول و نمودار تعداد و درصد استفاده از هر روش در حوزه موسیقی به بحث پیرامون این آمار پرداخته می‌شود. نخست آمار استفاده از هر روش:

جدول ۱- فراوانی و درصد استفاده از روش‌های واژه‌گزینی فرهنگستان زبان و ادب فارسی در حوزه موسیقی

نام روش	تعداد استفاده	درصد استفاده	مثال
ادغام	۱	٪۰.۲	Music video نماهنگ
اشتقاق	۲۳	٪۴.۴	Movement پویه
بسط معنایی	۱۱	٪۲.۱	Arrangement تنظیم
تجمیع واژه‌های مترادف	۷۷	٪۱۴.۷	Grace, Ornament, زینت
ترکیب	۸۷	٪۱۶.۶	Songwriter ترانه پرداز
دورگه‌سازی	۶۰	٪۱۱.۵	Note head سر نت
استفاده از زبان‌های کهن	۸	٪۱.۵	Antiphona پادصدا
قرض‌گیری	۱۷	٪۳.۲	Concerto کنسرتو
گرفته‌برداری	۱۳۳	٪۲۵.۷	Cowbell زنگ گاو
یافتن معادل از واژگان فارسی موجود	۱۰۵	٪۲۰.۱	close فرود
تعداد کل	۵۲۴	۱۰۰	



نمودار ۱- فراوانی استفاده از روش‌های واژه‌گزینی فرهنگستان زبان و ادب فارسی در حوزه موسیقی



نمودار ۲- درصد استفاده از روش‌های واژه‌گزینی فرهنگستان زبان و ادب فارسی در حوزه موسیقی به‌ترتیب زیاد به کم

روش گرت‌برداری (۱۳۵ مورد ۲۵.۷ درصد): فرهنگستان از این روش بیشترین استفاده را داشته است. امروزه علاوه بر واژه‌های موجود در موسیقی سنتی و باستانی (که بعداً بحث خواهد شد)، واژه‌های زیادی از زبان نوین موسیقی بین‌المللی وارد اکثر زبان‌ها شده است؛ این واژه‌ها چنان ریشه دوانده‌اند که دیگر قابل جایگزینی نیستند (در مبحث قرض‌گیری و دورگه‌سازی بیشتر بحث می‌شود)، فرهنگستان با در نظر گرفتن این استعداد زیاد در نفوذ به زبان و جلوگیری از نفوذ واژه‌های بیشتر (که جزو بین‌المللی‌ترین واژه‌ها هستند)، در ۲۵ درصد موارد به ترجمه تحت‌اللفظی کلمات و لفظ‌به‌لفظ عبارات پرداخته است؛ بنابراین، به نظر می‌رسد فرهنگستان کوشیده است تا با ارائه نزدیک‌ترین ترجمه به اصل، از نفوذ خودِ واژه در زبان جلوگیری کند؛ مثلاً برای Church cadence از «فرود کلیسایی» استفاده شده یا برای Open position از «وضعیت باز».

یافتن معادل از واژگان فارسی موجود (۱۰۵ مورد، ۲۰.۱ درصد): موسیقی هنری دیرپا در ایران است و تألیفات و آثار گونه‌گون بسیاری در این مورد از دیرباز وجود دارد. بدیهی است

که در برخورد با واژگان موسیقایی خارجی، دسته‌ای از واژگان که مربوط به بخش‌های مشترک موسیقی سنتی ایرانی و موسیقی نوین است، معادلی در زبان فارسی دارند. فرهنگستان در یک‌پنجم واژه‌ها توانسته است معادلی را از دایره واژگانی موسیقایی فارسی بیابد و مصوب کند که درصد قابل توجهی است؛ و شاید بتوان گفت که نسبت به سایر رشته‌ها، به‌ویژه رشته‌های علمی، درصد بالاتری دارد. مثلاً در موسیقی ایرانی «تحریر» از دیرباز بوده و فرهنگستان برای معادل‌گزینی melisma که به همان معناست، کار دشواری نداشته است.

ترکیب (۸۷ مورد، ۱۶.۶ درصد): در مواردی که نیاز به واژه‌سازی جدید بوده است، ترکیب با ۱۶ درصد بیش‌ترین سهم را داشته است، البته در موارد متعددی بیش از یک روش در ساختن معادل برای یک واژه به‌کار رفته است، اما در کل، ترکیب سهم قابل توجهی در واژه‌سازی داشته است. مثلاً برای nocturne «شباهنگ» و برای songwriter «ترانه‌پرداز» برگزیده شده است. ترکیب همواره یکی از پرکاربردترین روش‌هاست؛ و به‌نظر می‌رسد در حوزه موسیقی با توجه به اینکه الگوی ساختاری واژه‌های موجود به ترکیب نزدیک‌تر است، در ساختن واژه‌های جدید نیز ترکیب جایگاه ویژه‌ای داشته است.

تجمیع واژه‌های مترادف (۷۷ مورد، ۱۴.۷ درصد): در نگاهی کلی به تلاش‌های فرهنگستان در تعیین معادل برای واژه‌های بیگانه، فارغ از فرآیندهای ساخت واژه، یکی از راهکارها قابل توجه است و آن یکپارچه‌سازی است که با پرهیز از موازی‌کاری و اجتناب از واژه‌گزینی مستقل برای واژه‌های مترادف توأم است. فرهنگستان در حدود پانزده درصد موارد، نخست واژه‌های هم‌معنی را پیدا و دسته‌بندی کرده و سپس برایشان معادل برگزیده است. مثلاً برای شش واژه *Chapeau chinois*, *Bell tree*, *Bell tower*, *Turkish crescent*, *Chinese pavillon*, *Chinese hat*, *schnellbaum*, *Jingling johnny* که همگی بر موضوع واحدی دلالت می‌کنند، واژه چغانه ترکی را برگزیده است. در این پژوهش علاوه بر توجه به فرآیند ساخت معادل‌ها، این راهکار به‌دلیل کثرت استعمال به‌عنوان روشی مستقل نیز ذکر شده است.

دورگه‌سازی (۶۰ مورد، ۱۱.۵ درصد): دورگه‌سازی از روش‌های تقریباً پراستفاده بوده است و به همین دلیل، مستقل از روش‌های ترکیب و قرض‌گیری مورد بحث قرار می‌گیرد. فرهنگستان کلمات مهم و بنیادینی مثل *concerto*, *Concert*, *chorale*, *rhythm*

Pop music، Note، flute... را که به سرعت توسط اهالی این رشته وارد زبان فارسی شده و جافتاده‌اند، مستقیماً قرض‌گیری کرده و به صورت ریتم، کُرال، کنسرت، کنسرتو، فلوت، نت، موسیقی پاپ و... مصوب کرده است، اما در ترکیب‌های دیگری که این واژه‌ها در آنها به کار رفته‌اند، فرهنگستان اصل واژه قرض گرفته شده را با واژه‌ها و وندهای فارسی مرکب و مشتق ساخته و معادلی دورگه ارائه کرده است. این شیوه، صرف‌نظر از ترکیب و اشتقاق و قرض‌گیری، تحت مدخل دورگه‌سازی در این مقاله بحث می‌شود و به نظر می‌رسد با توجه به کثرت استفاده و نیز داشتن مقبولیت بین اهالی این رشته از تصمیمات مهم فرهنگستان باشد. از بین مثال‌های پرشمار به مثال زیر اکتفا می‌کنیم: Rhythmic، Rhythmic anticipation، rhythmic، Rhythmic variant، motive، polyrhythmic، polyrhythm که همگی از Rhythm ساخته شده‌اند و به صورت زیر واژه‌گزینی شده‌اند: ریتمی، تعجیل ریتمی، انگاره ریتمی، بدیل ریتمی، چندریتمی، چندریتم.

اشتقاق (۲۳ مورد ۴۰۴ درصد): اشتقاق یکی از روش‌هایی است که در آن واژه‌سازی به وسیلهٔ وندها و وندهاها انجام می‌پذیرد و به همین دلیل، امکان واژه‌سازی با تنوع بیشتر را در اختیار واژه‌ساز قرار می‌دهد؛ و در همهٔ زبان‌ها برای واژه‌گزینی کاربرد گسترده دارد، مانند beater که با «کوبه» جایگزین شده است یا انتخاب «دستانه» برای slide و «سه‌گان» برای Trichord. البته ذکر این نکته بسیار مهم است که این ۴ درصد تنها مواردی است که در آنها اشتقاق بدون هیچ رویکرد دیگری مورد استفاده قرار گرفته و الا ردپایی از اشتقاق را در اکثر روش‌های دیگر می‌توان یافت.

قرض‌گیری مستقیم (۱۷ مورد، ۳۰۲ درصد): همانطور که اشاره شد، با ورود موسیقی نوین و تحصیل‌کرده‌های این رشته، خلأ معادل برای بسیاری از واژه‌های موسیقی در زبان فارسی پدیدار شد. برخی از این واژگان بدون معادل که مهم و پرکاربرد بودند، در محافل، تألیفات و کلاس‌های این رشته، قرض گرفته و استعمال شدند و به سرعت در زبان فارسی ریشه دوانیدند. فرهنگستان نیز این به این معادل‌های بنیادین قرض گرفته شده رسمیت بخشیده است. در بده‌بستان‌های بین زبان‌ها، قرض‌گیری در برخی از موارد اجتناب‌ناپذیر است.

بسط معنایی (۱۱ مورد، ۲۰۱ درصد): در پارهای از موارد، فرهنگستان در برابر واژگان خارجی به جای ساختن واژگان جدید، از واژگان سایر حوزه‌ها در معنایی جدید استفاده کرده

است. تغییرات فقط در حوزه معنایی بوده و نه در مقوله دستوری و از روش‌های کم‌کاربرد بوده و بیشتر در مواردی انجام گرفته که خود اصل واژه خارجی نیز دارای چند معنی در حوزه‌های مختلف بوده است؛ مانند «مبدل» برای Variation یا «تعجیل» برای anticipation. چنان‌که اشاره شد، فرهنگستان به این نوع از واژه‌گزینی زیاد روی خوش نشان نداده است.

استفاده از واژگان کهن (۸ مورد، ۱.۵ درصد): در مواردی محدود از واژگان و وندهای کهن برای واژه‌سازی و واژه‌گزینی استفاده شده است؛ مانند «پادصدا» برای antiphona. این نوع واژه‌گزینی هم کاربرد کمتری داشته است که دلیلش را می‌توان عدم کسب مقبولیت و عدم استفاده عمومی و غیرعادی بودن این واژه‌ها دانست.

ادغام (۱ مورد ۰.۲ درصد): این روش تنها یک بار و برای music video به کار رفته که با نم‌آهنگ جایگزین شده و بسیار آمار پائینی است (فی‌الواقع در حد صفر است). فرهنگستان زیاد سراغ این روش واژه‌گزینی نرفته است و البته خود زبان فارسی هم تاکنون واژه‌های زیادی از این جنس تولید نکرده است؛ اما به نظر می‌رسد این نوع واژه‌سازی بتواند (به‌شرط سعی در خوش‌آهنگ کردن کلمات و به‌کمک تبلیغات در رسانه‌ها) روش سودمند و خوبی برای واژه‌سازی و واژه‌گزینی باشد.

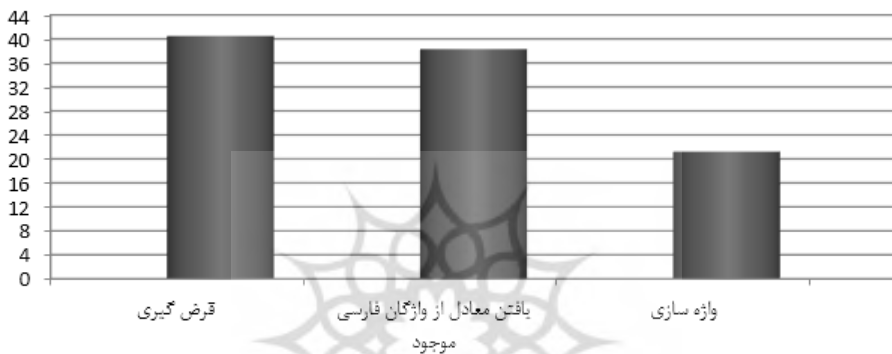
از میان این ۱۰ روش جزئی، ۳ روش کلی را می‌توان برشمرد: (۱) قرض‌گیری، (۲) یافتن معادل از واژگان فارسی موجود و (۳) واژه‌سازی.

با ارائه آمار جدید و با استفاده و تقسیم‌بندی آمار پیشین در ۳ روش کلی یادشده می‌توان با نگاهی جامع‌تر به بحث در مورد ویژگی‌های موجود در حوزه موسیقی و نیز رویکرد فرهنگستان در امر واژه‌گزینی با توجه به ویژگی‌ها پرداخت.

۱- قرض‌گیری (شامل: قرض‌گیری مستقیم، دورگه‌سازی، گرت‌برداری) که ۲۰۸ بار استفاده شده است؛ ۲- یافتن معادل از واژگان فارسی موجود (شامل: بسط معنایی، تجمیع واژه‌های مترادف، استفاده از واژگان کهن، مراجعه به معادلی که از قبل (در همان مفهوم) در زبان فارسی موجود بوده، که ۲۰۱ بار مورد استفاده قرار گرفته است؛ ۳- واژه‌سازی جدید (شامل: ادغام، اشتقاق، ترکیب) که ۱۱۱ بار (بدون احتساب موارد تکراری) به کار گرفته شده است.

جدول ۲- تعداد و درصد استفاده از سه روش کلی واژه‌گزینی در فرهنگستان زبان و ادب فارسی

نام روش کلی	تعداد استفاده	درصد
قرض‌گیری	۲۱۲	٪۴۰.۵
یافتن معادل از واژگان فارسی موجود	۲۰۱	٪۳۸.۳
واژه‌سازی	۱۱۱	٪۲۱.۲
تعداد کل	۵۲۴	٪۱۰۰



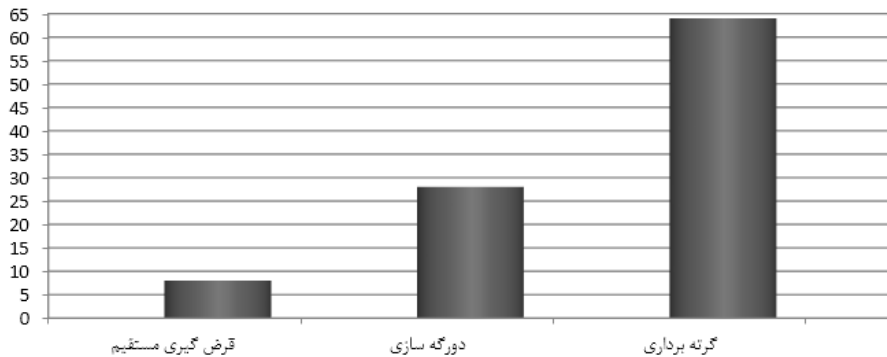
نمودار ۳- درصد استفاده از سه روش کلی گزینی در فرهنگستان زبان و ادب فارسی

قرض‌گیری:

با نگاهی به فهرست روش‌های مورد استفاده فرهنگستان، سه روش را می‌توان بازشناخت که در آن‌ها رویکرد اصلی قرض‌گیری است، یا به شکل مستقیم و کامل، یا به شکل ناقص و ترکیبی و یا با قرض‌گیری محتوایی. بنابراین، روش کلی قرض‌گیری شامل قرض‌گیری مستقیم، دورگه‌سازی و گرده‌برداری است و با ۴۰.۵ درصد بیش‌ترین بسامد کاربرد را داشته است. نخست به آمار این روش نگاهی می‌اندازیم و سپس در مورد آمار بحث خواهیم کرد.

جدول ۳- جدول تعداد و درصد استفاده از اجزای روش کلی قرض‌گیری

نام روش	تعداد استفاده	درصد
قرض‌گیری مستقیم	۱۷	٪۸
دورگه‌سازی	۶۰	٪۲۸
گرده‌برداری	۱۳۵	٪۶۴
تعداد کل	۲۱۲	٪۱۰۰



نمودار ۴- نمودار درصد استفاده از اجزای روش کلی قرض‌گیری

به نظر می‌رسد استفاده پرتعداد از روش کلی قرض‌گیری، دلایل خاصی داشته باشد که به مواردی اشاره می‌شود:

رشته موسیقی جزو رشته‌هایی است که قبل از چاره‌اندیشی درباره واژه‌های بدون معادل، برخی از آنها که مهم و پرکاربرد بودند قرض گرفته و به سرعت و به‌طور گسترده به کار گرفته شدند. فرهنگستان نیز این کلمات مهم و بنیادین را با همین شیوه قرض‌گیری مستقیم مصوب کرده است.

این واژگان مهم که قرض گرفته شده‌اند، خود در ترکیبات متعددی در زبان اصلی‌شان به کار رفته‌اند. در مورد ترکیب‌های این واژه‌ها، فرهنگستان اصل واژه قرض‌گرفته‌شده را با واژه‌ها و وندهای فارسی مرکب و مشتق ساخته است و معادل‌سازی کرده است که پرتعداد نیز بوده است. این شیوه، صرف نظر از ترکیب و اشتقاق و قرض‌گیری، تحت مدخل دورگه‌سازی در این مقاله بحث می‌شود و با توجه به کثرت استفاده و نیز داشتن مقبولیت بین اهالی این رشته، از تصمیمات مهم و اجتناب‌ناپذیر فرهنگستان به‌شمار می‌رود.

گرته‌برداری روشی بوده که بیش‌ترین بسامد کاربرد را داشته است و همانطور که همانطور که در سطور پیشین ذکر شد هدف این روش می‌تواند چنین باشد که با وام گرفتن ایده و ذهنیت یک اصطلاح، از نفوذ لفظ آن در زبان فارسی جلوگیری شود.

یافتن معادل از واژگان فارسی موجود

واژه‌های دارای معادل که شامل بسط معنایی، تجمیع واژه‌های مترادف، استفاده از واژگان کهن و وجود معادل (با همان مفهوم خاص) در زبان فارسی است، با ۳۸.۳ درصد دومین رتبه بیش‌ترین به‌کارگیری را داشته است. نخست به آمار این روش نگاهی می‌اندازیم و سپس به بحث در مورد آمار خواهیم پرداخت.

جدول ۴- تعداد و درصد استفاده از اجزای روش کلی یافتن معادل از واژگان موجود در زبان فارسی

نام روش	تعداد استفاده	درصد
بسط معنایی	۱۱	۵.۵٪
تجمیع واژه‌های مترادف	۷۷	۳۸.۳٪
استفاده از واژگان کهن	۸	۴٪
مراجعه به معادلی که از قبل (در همان مفهوم) در زبان فارسی موجود بوده	۱۰۵	۵۲.۵٪
تعداد کل	۲۰۱	۱۰۰٪



نمودار ۵- نمودار درصد استفاده از اجزای روش کلی یافتن معادل از واژه‌های موجود در زبان فارسی

یافتن معادل از میان واژه‌های فارسی، پس از روش قرض‌گیری بیش‌ترین بیشترین بسامد کاربرد را داشته و از روش ساختن واژه جدید کاربرد بیشتری داشته است. دو دلیل عمده این امر را یکی وجود برخی از بخش‌های مشترک میان موسیقی سنتی و باسابقه ایرانی و موسیقی نوین باید دانست و دیگری عملکرد خوب فرهنگستان در شناسایی واژگان مترادف خارجی در حوزه موسیقی و آنگاه تصویب یک جایگزین برای دو و یا چند واژه مترادف. در مورد آمار اجزای این روش کلی می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- در مورد روش بسط معنایی باید اشاره کرد که در پاره‌ای از موارد فرهنگستان در برابر واژگان خارجی به جای ساختن واژگان جدید، از واژگان سایر حوزه‌ها در معنایی جدید استفاده کرده است. تغییرات فقط در حوزه معنایی بوده و نه در مقوله دستوری و از روش‌های کم‌کاربرد بوده و بیشتر در مواردی انجام گرفته که اصل واژه خارجی نیز دارای چند معنی در حوزه‌های مختلف بوده است.

- درباره استفاده از واژگان کهن باید گفت که در مواردی معدود از واژگان و وندهای کهن برای واژه‌سازی و واژه‌گزینی استفاده شده است.

- تجمیع واژه‌های مترادف یکی از راهکارهای قابل توجه فرهنگستان بوده است. فرهنگستان، ورای واژه‌سازی، با هدف یکپارچه‌سازی و پرهیز از موازی‌کاری، واژه‌های هم‌معنی را پیدا و دسته‌بندی کرده و سپس برایشان معادل واحدی را معین کرده است.

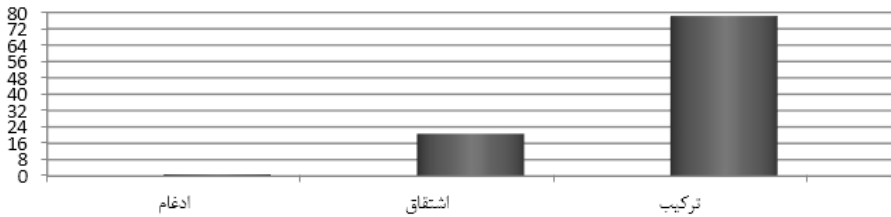
- زبان فارسی در مواجهه با واژگان موسیقایی خارجی، برای برخی از آنها، از قبل، معادلی دقیق در خود داشته است. فرهنگستان در یک‌پنجم واژه‌ها توانسته است معادلی را از دایره واژگانی موسیقایی فارسی بیابد و مصوب کند که درصد قابل توجهی است؛ و شاید بتوان گفت که این روش نسبت به سایر رشته‌ها، به‌ویژه رشته‌های علمی، درصد بالاتری دارد.

واژه‌سازی

روش کلی واژه‌سازی که شامل ادغام، اشتقاق و ترکیب است، با ۲۱.۲ درصد کمترین آمار به‌کارگیری را در بین سه روش کلی به خود اختصاص داده است. نخست به آمار این روش نگاه می‌کنیم و سپس به بحث در مورد آمار خواهیم پرداخت.

جدول ۵- فراوانی و درصد استفاده از اجزای روش کلی واژه‌سازی

نام روش	تعداد استفاده	درصد
ادغام	۱	۰.۹٪
اشتقاق	۲۳	۲۰.۷٪
ترکیب	۸۷	۷۸.۳٪
تعداد کل	۱۱۱	۱۰۰٪



نمودار ۶- درصد استفاده از اجزای روش کلی واژه‌سازی

واژه‌سازی در میان سه روش کلی که ذکرشان گذشت، میزان استفاده کمتری را داشته است. دلایلی چند می‌توان برای این میزان وقوع کمتر برشمرد:

- وجود واژه‌های فرض گرفته‌شده و ترکیبات متعدد این واژه‌ها که با دورگه‌سازی واژه‌گزینی شده و داخل زبان فارسی شده‌اند.

- ترجیح فرهنگستان به استفاده از روش گرده‌برداری در بخش قابل توجهی از واژه‌ها (بنا به دلایلی که پیش از این ذکر شد) در مجموع، بر کاهش آمار واژه‌سازی کاملاً جدید مؤثر بوده است.

- تجمیع واژه‌های مترادف نیز بر کاهش حجم واژه‌گزینی و به تبع آن واژه‌سازی اثر داشته است. در مورد اجزای روش کلی واژه‌سازی می‌توان به موارد زیر اشاره داشت:

- در بین اجزای روش کلی واژه‌سازی، ترکیب بیش‌ترین مورد استفاده را داشته است. ترکیب همواره یکی از پرکاربردترین روش‌هاست؛ و به‌نظر می‌رسد در حوزه موسیقی نیز توجه به واژه‌های موجود و الگوهای موجود در ساختار این واژه‌ها- که به ترکیب نزدیک‌تر است- مورد توجه بوده است.

- در مورد اشتقاق، ذکر این نکته بسیار مهم است که این ۴ درصد تنها مواردی است که در آنها اشتقاق بدون هیچ رویکرد دیگری مورد استفاده قرار گرفته و الی‌الذریع از اشتقاق را در اکثر روش‌های دیگر می‌توان یافت.

- ادغام تنها یک بار در داده‌ها مشاهده شد اما به‌نظر می‌رسد که این فرآیند خیلی بیشتر از این می‌تواند یاریگر متخصصین امر واژه‌گزینی باشد.

۵- نتیجه‌گیری

فرهنگستان زبان و ادب فارسی طی یک دوره ۱۲ ساله (۱۳۸۸-۱۳۷۶) برای ۵۲۴ واژه بیگانه در حوزه موسیقی معادل مصوب و منتشر کرده است. راه‌های استفاده‌شده توسط فرهنگستان را می‌توان در ۱۰ روش جزئی و سه روش کلی تقسیم‌بندی کرد. در مجموع، می‌توان گفت که بخشی از واژه‌های مهم موسیقی، در بدو ورود به زبان فارسی به دلیل کثرت استفاده، تحصیل اولین معلمان موسیقی در فرنگ و نبود سازوکار نظام‌مند برای واژه‌گزینی در این حوزه، به سرعت وارد زبان فارسی شده و فرهنگستان زبان و ادب فارسی نیز (در دوره‌ی مورد بررسی) این واژه‌ها را به‌صورت قرض‌گیری مستقیم معادل‌گزینی کرده است؛ از آنجاکه این واژه‌های بنیادین قرض‌گرفته‌شده، در زبان اصلی‌شان در ترکیبات متعدد دیگری نیز به‌کار رفته‌اند. فرهنگستان در مواجهه با این ترکیبات، اصل واژه قرض‌گرفته‌شده را با وندهای فارسی در واژه‌ای جدید و ترکیباتی دورگه را به‌عنوان معادل تصویب کرده است. لازم به ذکر است که واژه‌هایی که با این روش ساخته شده‌اند، با توجه به اینکه معمولاً نزدیک‌ترین معادل به واژه خارجی هستند، در بسیاری از موارد ابتدا توسط خود اهالی این حوزه استفاده شده و، مقبولیت یافته و مورد تصویب فرهنگستان نیز قرار گرفته‌اند. روش گرته‌برداری نیز توسط فرهنگستان زیاد استفاده شده است، به‌نظر می‌رسد که از نظر فرهنگستان، سودمندترین روش برای جلوگیری از نفوذ برخی از واژه‌ها و ترکیبات به زبان فارسی، ارائه معادلی با ترجمه تحت‌اللفظی بوده است. موسیقی ایرانی بخش‌های مشترکی با موسیقی نوین دارد، به همین دلیل، تعدادی از واژه‌های خارجی موسیقی دارای معادل دقیق در زبان فارسی هستند که توسط فرهنگستان اهالی این رشته شناسایی و واژه‌گزینی شده‌اند. همچنین، بسیاری از واژه‌ها در زبان اصلی‌شان دارای واژه‌های مترادف و هم‌معنی هستند، در این بیش از پانصد واژه بررسی‌شده، فرهنگستان در چندین مورد این واژه‌های هم‌معنی را شناسایی کرده و پس از دسته‌بندی برای دو یا چند واژه مترادف یک معادل را برگزیده و تصویب کرده است که برای پرهیز از موازی‌کاری اقدامی مؤثر بوده است. به هنگام واژه‌سازی، روش‌های ترکیب و اشتقاق بیش‌ترین کاربرد را داشته است، اما به‌طور کلی، ساختن واژه جدید در این حوزه نسبت به سایر روش‌ها بسامد کمتری داشته است. علاوه بر روش‌های مذکور، فرهنگستان برای معدودی از اصطلاحات از بسط معنایی واژه‌های موجود معادل‌گزینی و برای چند واژه هم با استفاده از واژگان و وندهای کهن فارسی

معادل‌سازی کرده است. روش ادغام تنها یک بار در این مجموعه به کار رفته است. به نظر می‌رسد که فرآیند واژه‌سازی ادغام به عنوان روشی خلاق و راهگشا هنوز جایی برای خودش در فرآیندهای واژه‌سازی زبان فارسی نجسته است. از صاحب‌نظران و دست‌اندرکاران در این مورد انتظار بیشتری می‌رود.

به‌طور کلی، فرهنگستان با عدم مقاومت در برابر فرض‌گیری و دورگه‌سازی واژگانی که به‌طور کامل وارد زبان فارسی شده‌اند (و به دلیل کثرت و قدمت استفاده قابل‌جایگزینی نیستند) سیاستی واقع‌بینانه در قبال این طیف از واژه‌ها داشته است؛ همچنین، استفاده به‌جا از گرت‌برداری، در مواردی که با توجه به نوع واژه‌ها و ترکیبات اصلی، نزدیک‌ترین معادل مورد نیاز بوده است، به ساختن معادل‌هایی کاربردی و مفید انجامیده است، اما در موارد معدودی نیز با اینکه واژه‌هایی سال‌هاست قرض گرفته و استفاده شده‌اند، فرهنگستان اقدام به ساختن واژه جدیدی کرده است که زیاد قابل‌توجیه نیست. رویکردهایی نظیر شناسایی واژگان مترادف و دسته‌بندی آنها، معادل‌گزینی واحد برای دو یا چند واژه هم‌معنی و همچنین گنجاندن مواردی که در زبان فارسی معادل دارند در بین واژه‌های مصوب برای رسمیت بخشیدن به آنها، در مجموع به عملکرد فرهنگستان نظم‌بخشیده است. رویکرد کلی فرهنگستان عدم اصرار بر استفاده از واژگان کهن و ثقیل (که به ساخت معادل‌های سنگین و نامقبول می‌انجامد) بوده است و تنها در مواردی کم‌شمار برای واژه‌سازی از وندهای کهن و واژه‌های عربی ثقیل استفاده کرده است که واژه ساخته‌شده از اصل واژه نامأنوس‌تر به‌نظر می‌رسد و نیز در برخی موارد فرهنگستان برای یک واژه بسبب، معادلی که ترکیبی از دو و حتی سه و چهار کلمه است ارائه کرده است که نامناسب به‌نظر می‌رسد. در پایان، ذکر این نکته ضروری می‌نماید که: ترجیح دادن واژه‌سازی بر بسط معنایی واژگان موجود در هر زبان رویکرد مهمی است که به غنا و پویایی آن زبان مدد می‌رساند و در رویکرد کلی فرهنگستان زبان و ادب فارسی نیز چنین تلاشی مشهود است.

منابع

پرویزی، نسرین (۱۳۸۴). «شاخص‌های معناشناختی واژه‌های مصوب فرهنگستان زبان و ادب فارسی». مجموعه مقالات دومین هم‌اندیشی واژه‌گزینی و اصطلاح‌شناسی. به‌کوشش علی

کافی، ویرایش گلناز افشار وثوقی و آسیه غروری، فرهنگستان زبان و ادب فارسی، ۳۱۱-۲۹۴.

حق شناس، علی محمد (۱۳۸۰). «واژه سازی درون متن، یک علاج قطعی». مجموعه مقالات نخستین هم‌اندیشی مسائل واژه‌گزینی و اصطلاح‌شناسی. ویرایش شیرین عزیزی مقدم و مژگان غلامی، مرکز نشر دانشگاهی: فرهنگستان زبان و ادب فارسی، ۴۹۹-۴۷۸.

زمردیان، رضا (۱۳۸۴). «فرآیندهای واژه سازی در فارسی». مجموعه مقالات دومین هم‌اندیشی واژه‌گزینی و اصطلاح‌شناسی. به کوشش علی کافی، ویرایش گلناز افشار وثوقی و آسیه غروری، فرهنگستان زبان و ادب فارسی، ۴۹۹-۴۹۰.

سمیعی، احمد (۱۳۸۰). «ترکیب و اشتقاق، دو ابزار واژه سازی». مجموعه مقالات نخستین هم‌اندیشی مسائل واژه‌گزینی و اصطلاح‌شناسی. ویرایش شیرین عزیزی مقدم و مژگان غلامی، مرکز نشر دانشگاهی: فرهنگستان زبان و ادب فارسی، ۲۲۳-۲۱۳.

شقاقی، ویدا (۱۳۸۰). «اشتقاق در واژه‌گزینی». مجموعه مقالات نخستین هم‌اندیشی مسائل واژه‌گزینی و اصطلاح‌شناسی. ویرایش شیرین عزیزی مقدم و مژگان غلامی، مرکز نشر دانشگاهی: فرهنگستان زبان و ادب فارسی، ۲۸۳-۲۹۷.

عباسیان، علی (۱۳۸۴). «حوزه‌های نیاز در واژه‌گزینی». مجموعه مقالات دومین هم‌اندیشی واژه‌گزینی و اصطلاح‌شناسی. به کوشش علی کافی، ویرایش گلناز افشار وثوقی و آسیه غروری، فرهنگستان زبان و ادب فارسی، ۲۱۶-۲۰۲.

فرهنگ واژه‌های مصوب فرهنگستان: ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۵ (۱۳۸۷). تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی.

فرهنگ واژه‌های مصوب فرهنگستان: دفتر پنجم (۱۳۸۷). تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی.

فرهنگ واژه‌های مصوب فرهنگستان: دفتر ششم (۱۳۸۸). تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی.

نعمت زاده، شهین (۱۳۸۰). «استدلال در واژه‌گزینی». مجموعه مقالات نخستین هم‌اندیشی مسائل واژه‌گزینی و اصطلاح‌شناسی. ویرایش شیرین عزیزی مقدم و مژگان غلامی، مرکز نشر دانشگاهی: فرهنگستان زبان و ادب فارسی، ۲۵-۱۷.

نعمت‌زاده، شهین (۱۳۸۴). «واژه‌گزینی در زبان اول، واژه‌گزینی در زبان دوم». مجموعه مقالات دومین هم‌اندیشی واژه‌گزینی و اصطلاح‌شناسی. به‌کوشش علی کافی، ویرایش گلناز افشار وثوقی و آسیه غروری، فرهنگستان زبان و ادب فارسی، ۲۴۳-۲۳۷.

Sager, J. C. (1990). *A practical Course in terminology processing*.

Amsterdam: John Benjamins Publication.

Yule, G. (2010). *The study of language* (4th ed). Cambridge, UK:

Cambridge University Press.

